

## سخنی از درد دل

دردهای آوارگی و از دست دادن میهن و فرهنگ ما بر پایه همان تازش ۱۴۰۰ سال پیش این تازیان بیابانگرد به رایزی علی پسر ابوطالب هاشمی پی‌ریزی گردیده است. ایرانی گرفتار آمده در بند، اگر بخواهد یکبار و برای همیشه از بند روان تازیان آزاد گردد باید نخست از روی راستی و درستی محمد و علی را بگونه ای که در قرآن و دفترهای دینی آمده است و پیشینه خانوادگی آنان گواهی میدهد برابر پاورقی‌های دفاتر معتبر بشناسد نه از گفتار و نوشتار "روضه خوانها" یا دیگر کسان بیگانه از تاریخ و فرهنگ ایرانی یا دشمنان شناخته شده مردم ایران. دفتر اسلام شناسی علی شریعتی درسهای دانشکده مشهد از برگ ۱۴۵ تا ۲۶۱ همه برگها گواه تازش و چاپیدن و کشتار کاروانیان و تیرهها و گرفتن برده و کنیز و ربودن دارایی مردم است.

### لگر تازش بر کاروانیان رهزنی نیست پس چه نام دارد؟

شما کافیسست به کتابهای خود تازیان مراجعه کنید تا دریابید اینان بدستور علی چه کشتاری در ایران راه انداختند و آنرا جزو افتخارات خود هم میدانند. در دفتر زندگانی حسین پوشینه (جلد) نخست نوشته زین العابدین رهنما برگهای ۲۰۸ تا ۲۱۴ میخوانید "علی به عمر گفت در حمله به ایران خودت زرو و سرداری دیگر را بفرست که اگر بروی و کشته شوی زنجیر اسلام گسسته گردد. عمر از شوق شنیدن حرفهای علی بپاخواست و به علی و فرزندش حسین تحسین فراوان فرستاد و آنها را بوسید" و برگهای ۲۷۳ تا ۲۸۴ از همین دفتر "کشتار سهمناک ایرانیان در نهاوند".

- ایرانی باید بداند که علی بدستور محمد در زمان ابوبکر نخستین جانشین او در اندیشه تازش به ایران و ویرانگری آن بوده است تا بتواند این مردم دارامند و با فرهنگ را به بردگی و بندگی و کنیزی بکشاند و با دورنگداشتن از فرهنگ درخشانش بتواند زیر نامهای زشت و چندش آور تازی چون "عبدالعلی" "غلامعلی" "قوجعلی" "گرگعلی" در رده بردگان نگاهدارد.

- ایرانی باید بداند که دست پروردگان محمد و علی چگونه **چشمان اندیشمندان ایرانی را با میله‌های داغ سوزانیده و کور کرده‌اند** و جانشینان ایندو چگونه دستها و پاها و زبان آزادخواهان ایرانی را با کارد بریده یا از ریشه درآورده‌اند و چگونه پوست از بدن میهن پرستان اندیشمندی کنده که سر به آستان تازیان خم نمیکردند. (پاورقی ۱)

- ایرانی باید بداند که جانشینان محمد و علی چگونه سنگهای غول پیکر آسیاب را بجای آب با خون میهن پرستان ایرانی بگردش درآورده گندم آرد نموده و خورده‌اند. (پاورقی ۲)

- ایرانی باید بداند که آن اندازه بیشتر دست و پا بستگان بیگانه میهن ما را همچون یهودیان بنی قریظه سر بریدند که شمشیرهایشان بارها و بارها کند شده که ناگزیر به تیز کردن آن شدند.

- ایرانی باید بداند که سر پسر ایرانی را بریده و گوشت پسر را بخورد پدر دادند تا از آیین پاک خود بگذرد و به اسلام و مسلمانی ره آورد تازیان روی آورد. (پاورقی ۳)

- ایرانی باید بداند که سوکواری بر گروهی تازی که به دل‌باختگی بر زنی شوهردار یکدیگر را چون درندگان بیابان دریده‌اند کاری بس نابخردانه است که درخور فرهنگ مردم این مرز و بوم نیست. (پاورقی ۴)

- ایرانی باید بداند که تازیان بیابان کربلا از بنی امیه بنی‌هاشم بنی‌عباس محمد علی معاویه یزید شمر ابن سعد عمر عثمان ابوبکر و... همه و همه فرزندان عبدمناف نیای علی و محمد و پسرعموهای یکدیگرند که نتنها دشمن یکدیگر بلکه از دشمنان آشنی ناپذیر ایران و ایرانی نیز بوده‌اند. در تازش به مازندران حسن و حسین پسران علی کشتار بزرگی کرده و خونها ریخته و به زنان و دختران دست درازی کرده‌اند. (پاورقی ۵)

- ایرانی باید بداند که علی در زمان رهبری خود با دست کارگزارانش آزادخواهان ایرانی را در فارس و استخری و کرمان و دیگر بخشهای ایران به خاک و خون کشیده و با کشتن ۶۰۰ هزار تن توانسته جنبش آزادیخواهانه ایرانیان را سرکوب کند. (پاورقی ۶)

- ایرانی باید بداند که دستار برسران سیاه و سپید ستایشگر علی و محمد آدم کشانی هستند که خود دست کمی در کشتار و چاپیدن از آنان ندارند و به درازای چهارده سده با پوشاک شناخته شده (عبا و عمامه و نعلین و شال سبز سیدی) ایرانی را بسوی بیگانه پرستی سوق داده و میدهند.

ایرانی باید اسلام و مسلمانی را با فرهنگ دیرپایش برابر کند و در ترازوی خرد بسنجد؛ اگر آگاهانه دریافت که آیین بیابان گردان تازی بر فرهنگ و آیین کهن او برتری داشت آنگاه با چشمان باز آنرا بپذیرد و بکار بندد و اگر جز این بود آنرا دلیرانه و آگاهانه به بیابان تازیان برگرداند و به کهن آیین سرافراز و درخشان و جهانگیر نیاکانش روی آورد که گفتار نیک کردار نیک و پندار نیک است نه کشت و کشتار و غارت و ددمختی.

با گذشت هزار و اندی سال از داستان شرم آور خانوادگی تازیان در بیابان کربلا چرا هنوز مردم ایران باید وادار به گریه و زاری شوند که شمر خواهرزاده خود عباس پسر علی را کشته یا دستهایش را بریده است. آیا کسی از خودش پرسیده است که ارزش سرو دستهای این دشمن خونخوار ایرانی از سرو دستهای بابک خرمذین، مازیار، رستم فرخزاد، حلاج و خداح و صدها هزار میهن پرست دیگر ایرانی تکه پاره شده بدست تازیان ارزشمندتر بوده است؟ آیا میداند که چرا برای او میگردید و برای اینها نمیگردید؟ (پاورقی ۷)

در کجای دنیا سابقه دارد که بازماندگان کشته شدگان گرد هم آیند و دستجمعی برای کشندگان خانواده‌ها و ربایندگان مادران و دختران و همسران نیاکان خویش به گریه و زاری بشینند و سر و سینه خود را با کارد و ساتور و زنجیر خونین و مالین کنند؟ آیا بجز مثنی بیگانه پرست در پوشاک پیشوایان دینی چه کسانی آنرا به این زشتخویی و آداشته است؟ اگر این فریبکاران خود به آفریدگار و زنده شدن پس از مرگ باور دارند و داندی درستی را از نادرستی ویژه او میدانند در این زمانه که همه تازیان از کشته و کشته شده در پیشگاه او هستند و بگفته محمد در قرآنش برای گناهکاران دوزخی سهمگین و برای نیکوکاران بهشتی برین پیشبینی شده است دیگر ما را چه میرسد که بر کار آفریدگار جهان دست درازی و داوری کنیم؟ اگر یزید و شمر و دار و دسته‌اش گناهکار باشند جدا برون‌گارشان که به دوزخ رفته‌اند و دارند آزار و شکنجه زشتکاری خویش را می‌چشند. اگر درستی با علی و حسن و حسین بوده باشد خوشا بهالشان که در "خوشگذران کده" الله (بهشت) با دختران زیبا و می ناز و کباب و شیر و عسل سر و کار دارند. پس کجای این کار دلخوری و گریه و زاری دارد؟ اگر بدرستی ما از پیروان کسانی باشیم که شمر و یزید ندانسته آنها را به بهشتی آنچنانی روانه داشته‌اند آیا نباید از شمر و یزید و دار و دسته‌اش سپاسگذار باشیم که کار زشت آنان بهشت را بهره اینان کرده است؟

بسی روشن است که این زشت کاریها نخست با زور بر گردن ایرانیان گذاشته شده و سپس به روش درآمده است که برخواسته از دل نمیتواند بوده باشد.

اسلام همانطوری که از نامش پیداست یعنی اطاعت و تسلیم و انسان در آن نقش "بنده" و "عبدالله" را دارد که سعادت او تنها به خواست و مشیبت خدا بستگی دارد. (در قرآن بیش از ۵۷ بار به این امر تاکید شده است) بنظر قرآن زندگانی نیک یعنی ترس و تسلیم مد و اطاعت برده وار در برابر اراده خدا، به این آیه توجه کنید:

#### سوره بقره آیه ۲۰۸

ای اهل ایمان! همگی داخل در مقام تسلیم شوید مسلمانان و پرهیزکاران واقعی همان کسانی هستند که در نهان و آشکار از خدای خود میترسند.

آیا خداوند آنچنان خودخواه است که همه باید فرمانبردار او باشند وگرنه در آتش جهنم سوزانده و خاکستر خواهند شد؟ با اینکه چهره آفریدگار جهان از دید فرهنگ ایرانی شاد و مهربان و از دوستداران آفریدگان شناسانده شده است و همه جا سخن از راهنمایی و مهر و بخشندگی او بمیان آمده و از هرچه کز اندیشی و اهریمنی به دور و بیزار است ولی الله آمده در کلام الله محمد چنان ترسناک و دهشتناک است که حتی با شنیدن نامش مو بر اندام آفریدگان راست می‌گردد چه او در قرآنش میگوید بی هیچگونه پرس و جویی نخست همه آفریدگان را به آتش سوزان جهنم میسپارد و سپس رسیدگی را آغاز مینماید تا هرکس که از دید او بیگناه شناخته شود از آتش برهاند درست بگونه فرمانهایی که آیت‌الله‌ها و ملایان جانشین رسولش میدهند که نخست صد ضربه تازیانه میکوبند و سپس به جوخه آتش یا طناب دار میسپارند. شاید از اینکه الله چنین دستوری داده باشد دودل باشید پس چه بهتر این آیه شریفه را باهم بخوانیم:

#### سوره مریح آیهای ۷۱ و ۷۲

و هیچیک از شما (نوع بشر) باقی نماند جز آنکه بدوزخ وارد شود و این حکم حتمی پروردگارتست پس از ورود همه در دوزخ ما افرادی را که خداترس و باتقوی بوده‌اند از جهنم نجات خواهیم داد و ستمکاران را فروگذاریم تا در آن آتش بزانو درافتند.

آیا این الله خشمگین درنده خوی آمده در قرآن همان خدای مهربان ما ایرانیان است یا خدای مکه؟ پذیرفتن چنین چیزی آنهم بنام فرمان خدا اگرچه بدور از خرد هر بیخردی مینماید ولی چه میتوان کرد که در کلام الله رهاورد محمد موجود است. شگفتا شک کننده چنین آیاتی کافر است قتلش واجب و غارت اموالش حلال!!! تبلیغات و تعلیمات دینی محمد به اطاعت از خدای یکتا و ترساندن آنها از روز قیامت و عذاب جهنم قرار داشت. بسیاری از سوره‌ها برآستی ترس و تهدید است و عده‌ای از محققین بدرستی مینویسند که مهمترین عامل حیات مذهبی مسلمانان قرن اول هجری ترس بود. ترس از خدای انتقامجو و قهار و ترس از جهنمی که دل شیر هم از هیبت آن آب میشود. خدایی که با اینکه مکر و حيله را کاری باطل و ناپسند میداند اما خود تاکید میکند که مکارترین مکاران است.

(سوره القلم آیهای ۴۴ و ۴۵ + انفال آیه ۳۰ + طلاق ۱۵ و ۱۶ + نساء ۱۴۲ + اعراف ۹۹ و ۱۸۲ و ۱۸۳)

## پاورقی

- ۱ - منطق الطیر عطار نیشابوری برگ ۱۰۵ - تذکره اولیاء برگهای ۵۱۹ - ۵۲۵ - غزالی برگ ۱۹۹ - تاریخ طبری برگهای ۶۷۷۷ - ۶۸۷۶
- ۲ - تاریخ تبرستان ابن اسفندیار پوشینه اول برگهای ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۷۴ - ۱۸۳؛ تاریخ طبری پوشینه نهم برگ ۲۴۹۰؛ فتوح البلدان برگ ۱۸۷ - ۱۸۸؛ آفرینش و تاریخ پوشینه ششم برگ ۴۵ دو قرن سکوت دکتر زرین کوب برگ ۱۸۷
- ۳ - تجارب السلف ۹۲ - ۱۹۰
- ۴ - تاریخ طبری برگ ۱۷۴ - دفتر زندگانی حسین نوشته زین العابدین رهنما پوشینه اول برگهای ۷۲ تا ۱۷۹ و پوشینه دوم برگهای ۲۱۵ تا ۲۲۱
- ۵ - زیرنویس برگ ۲۰ پوشینه دوم شرکت فرزندان علی "حسن و حسین" به همراه سعیدالعص در لشکرکشی و کشت و کشتار مردم مازندران - فتوح البلدان برگ ۱۸۳ - ۲۰۳
- ۶ - تاریخ ایران برای نوجوانان، بنیاد مطالعات ایران واشینگتن برگ ۱۳۰ - مختصرالبلدان برگهای ۱۵۰ - ۱۸۳ - تاریخ طبری پوشینه پنجم برگ ۲۱۱۶ پوشینه هفتم برگ ۲۷۲۲ و پوشینه ششم برگ ۲۵۶۷ درباره کشتار بیرحمانه مردم ری -البلدان ابن قتیبه برگ ۱۱۱ درباره قتل عام مردم فارس و کرمان - فتوح البلدان برگ ۲۹۲ درباره قتل عام مردم خراسان و نیشابور - تبری پوشینه چهارم برگهای ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ - ۱۳۹۴ - ۱۴۰۷ و پوشینه دوم برگهای ۴۱ تا ۶۳ "فتح مرو بدستور علی و سیل خون و کشتار بدست زیادابن ابیه فرماندار علی" - طبری پوشینه ششم برگهای ۲۴۲۰ - ۲۶۶۵ "کشتار بیرحمانه ایرانیان بدستور ابوبکر و علی".
- ۷ - تاریخ ایران برای نوجوانان، بنیاد مطالعات ایران واشینگتن برگ ۱۴۳ کشتن دردناک مازیار و بابک هزار و چهارصد سال احترام بر خیانت و جنایت چاپ دوم دکتر س آله برگهای ۶۱ و ۶۲ - تاریخ طبری برگهای ۶۸۷۷ و ۶۸۷۶ کشتن غم انگیز حلاج.

قسمتی از کتاب "پژوهشی در زندگی علی" نوشته دکتر آله دالفک

منبع اینترنت:

درفش کاویانی <http://www.derafsh-kaviyani.com/data/>